

## باگوان عزیز:

دريك مقاله از يکي مجله ي آمريکايي، از مادر ترزا در سلسله مراتب مردانه ي کليساي کاتوليك، به عنوان يك عصيانگر نام برده شده است. اگر مادر ترزا را با کسي همچون ژاندارک همطراز بدانند، خدا به کليساي کاتوليك رحم کند!

کسي که از مادر ترزا به عنوان يك عصيانگر a rebel نام برده، معني اين واژه را نمي داند.

او در اين سلسله مراتب مردانه ي کليساي کاتوليك يك برده است. او کسي نيست.

هيچ زني تاکنون پاپ نبوده و نخواهد بود.

و اين زن چگونه عصيانگري است؟ \_\_\_ او در برابر پاپ لهستاني زانو مي زند و دست او را مي بوسد.

آيا اين عصيانگري است؟ و او براي کليساي کاتوليك کودکان يتيم بيشتري را تا مين مي کند تا جمعيت آنان

را بيشتري کند.... زيرا در سياست، جمعيت عاملي بزرگ است، به گونه اي که هيچکس به تمام دنيا و

جمعيت آن نمي انديشد.

چند روز پيش خواندم که اسراييل بسيار نگران است زيرا محمديان کودکان بيشتري توليد مي کنند

\_\_\_ طبيعي است زيرا مي توانند چهار زن بگيرند! اقيانوس محمديان در تمام جوانب بزرگ تر مي شود.

بنابر اين شايد اسراييل تنها کشوري در دنيا باشد که دولتش مردم را براي داشتن فرزندان بيشتري تشويق

مي کند و مي گويد که هر نفر بايد دست کم چهار فرزند داشته باشد. آنان نگران دنيا نيستند،

که جمعيت آن پيشاپيش زياد هست. تنها نگراني آنان سياست هاي منطقه است که محمديان نبايد از نظر

تعداد خيلي بيشتري از جمعيت يهوديان باشد.

در جمعيت، سياسي وجود دارد. کليساي کاتوليك در سراسر دنيا هفتصد و پنجاه ميليون نفر عضو دارد \_\_\_

بزرگترين واحد تاجايي که به مذهب مربوط مي شود. و مادر ترزا مورد تحسين است، نه به اين سبب که او

يك عاصي است، بلکه به اين دليل که او فقط يك مستخدمه است براي آوردن کودکان يتيم بيشتري و بيشتري به

کليساي کاتوليك، او هندي هاي فقير را به مذهب خودش مي گرواند. بنابر اين پاپ به او برکت مي دهد.

من اين توصيف را فقط وقتي مي توانم بپذيرم که اگر پاپ نزد مادر ترزا زانو بزند و دست او را ببوسد،

آنوقت معني مي دهد که سلسله مراتب مردسالارانه ي کليساي کاتوليك مادر ترزا را بالاتر از پاپ مي داند.

ولي اين زن فقط وسيله اي است در دست کليساي مردسالار کاتوليك. او هيچ مقامي ندارد.

ولي چون او به افزايش جمعيت کاتوليك ها بسيار کمک کرده است، آنان بر ايش ترتيب جايزه ي نوبل

را داده اند، سایر جوایز را برایش ترتیب داده اند و به او دکترای افتخاری می دهند. گول این چیزها را نخورید، این ها فقط بازیچه هستند و تمام این بازی، سیاسی است. یکی از سالکان من، یک اقتصاددان از انگلیس، جایزه نوبل دریافت کرد. سالکان ما به او گفتند، "تو اینک برنده جایزه نوبل هستی... هیچکس همچون باگوان برای یک انقلاب انسانی بر اساس بینش های مدرن در روابط انسانی تلاش نکرده است. باید سعی کنی که او نیز جایزه نوبل را ببرد." او گفت، "آیا فکر می کنید که من تلاش نکرده ام؟ در واقع من چنان تلاش کرده ام که به آنان گفتم «این جایزه را به من ندهید، من مرید او هستم. بگذارید این جایزه به باگوان برسد.» ولی نام او، فقط نام او کافی است تا همه را شوکه کند. سکوتی مطلق در آن جلسه حاکم شد و دوستانم پیشنهاد کردند «این نام را بار دیگر در این کمیته برزبان نیاور. این ربطی ندارد که فرد چه مقدار به دنیا خدمت کرده باشد \_\_ تمام این ها سیاست است. و تا یک پشتوانه ی سیاسی وجود نداشته باشد، بردن جایزه ی نوبل ناممکن است.» به سالکانم خبر دادم: "به او بگویید که به آن کمیته بگوید که حتی اگر هم این جایزه را به من بدهید، آن را رد خواهم کرد، زیرا می دانم که تمام این یک نمایش سیاسی است. و من مایل نیستم با مادر ترزا و سایر احمق ها در یک طبقه بندی قرار بگیرم." در واقع، مادر ترزا با نهضت آزادی زنان مخالف است، بنابراین هرکس که آن مقاله را نوشته یا جاهل است و یا سعی دارد از او تحسین و تمجید کند. و یک انگیزه ی سیاسی در پشت آن است: مادر ترزا با نهضت آزادی زنان مخالف است، به این دلیل ساده که با کنترل زایمان مخالف است. او با قرص های ضدبارداری مخالف است و آن قرص ها بزرگترین امکانی است که زنان بتوانند از مردان آزاد شوند، وگرنه زنان همیشه وابسته و برده خواهند بود. اگر از آرمان های مادر ترزا پیروی کنی، آنوقت یک زن باید پشت سر هم بچه دار شود و آن زن باید فقط یک مادر باقی بماند و پیوسته باردار باشد. تمام زندگی او در تولید فرزند و بزرگ کردن آنان هدر می شود. او نمی تواند از نظر اقتصادی مستقل باشد، نمی تواند تحصیل کند و نمی تواند در هیچ زمینه ای با مردان رقابت کند. قرص می تواند موقعیتی را ایجاد کند که زن با مرد برابری کند، زیرا آن قرص او را از بارداری همیشگی آزاد خواهد کرد و او را از وابستگی نجات خواهد داد. زن می تواند از نظر اقتصادی و مالی آزاد باشد و

در نهايت مي تواند درخواست کند که نيازي به ازدواج نيست: "اگر عاشق هم هستيم، باهم زندگي مي کنيم، اگر عاشق نباشيم، باهم خداحافظي مي کنيم \_\_ با روحيه اي دوستانه." ديگر مسئله نزاع و جنگ در ميان نيست.

بنابراين هرکس که مادر ترز / را يك عصيانگر مي خواند بايد احمق باشد.

او يکي از مرتجع ترين افراد در دنياست.

عصاينگري به جگر نياز دارد.

او فردي سنتي است و سنت گرا... او به زائيش عيسي از مريم باکره معتقد است، به معجزات مسيح ايمان دارد،

رستاخيز مسيح را باور دارد و معتقد است که مسيحيت بالاترين مذهب است و فقط کسي که مسيحي باشد مي تواند

نجات بيابد... و شما او را عصيانگر مي خوانيد!

آنوقت من کيستم؟

## فصل هفت

۲۹ مي ۱۹۸۶، عصر